



Research Article

The Role of the State in Singapore's Developmental Transition

Saeed Safi Ardahai¹, Ahmad Movasaghi^{2*}

1. PhD Student in Political Science with a specialization in Public Policy, Faculty of Law and Political Science, Tehran University, Tehran, Iran.
2. Professor of Political Science Department, Faculty of Law and Political Science, Tehran University, Tehran, Iran

Article history:

Received: 01/06/2025

Accepted: 11/09/2025

Abstract

Introduction

The combination of high economic growth and political authoritarianism, and the prominent role of the government in Singapore's economic growth and development, makes us aware of specific characteristics that differ from the Western model. The key role of the Singaporean government in this developmental transition prompted us to examine its role in development policymaking and the characteristics of such a government. By analysing the components of this government, we can understand what enabled the Singaporean state to play a key role in this developmental transition.

Methodology

The main question of the present study is: What was the role of the state in Singapore's developmental transition, and what characteristics of this government enabled it to lead it?

To answer this question, we will analyse the components of the Singaporean

Please cite this article as:

Safi Ardahai, S., Movasaghi, A. (2025). The Role of the State in Singapore's Developmental Transition. *Journal of Asian Regional Order Studies*, 2(2) 75-108.

Excerpt from Saeed Safi Ardahai's doctoral dissertation on the topic: The role of the government in development policymaking, supervisor: Dr. Ahmad Movasaghi, Faculty of Law and Political Science, Tehran University, Tehran, Iran

* Corresponding author: E-mail address: movasagh@ut.ac.ir

state and assess the status of this government using Leftwich's variables for a developmental state to gauge its degree of development.

Findings

The term developmental state entered development literature as an abstract term from the development experience of Japan and then some East and Southeast Asian countries. The experience of economic growth in countries such as South Korea, Taiwan, Singapore, China, Hong Kong, and Malaysia, and the increase in the level of welfare and living standards of the people of these countries, caused a phenomenon to occur that is referred to as the economic miracle. Despite the differences between these countries, most theorists searched for the factors behind the success of these countries in the political and institutional arenas of these countries, and the theory of the developmental state was formulated by referring to the arena of politics and the "link between economics and politics" and the issue of "the state" as the center of development, and only such a state can guide the developmental transition. The research findings show that development goes beyond economic growth and requires radical changes in the social system, class displacement, and industrialisation through the unique and special role and function of a developmental state. Singapore has also succeeded in transitioning to a developed state with the special role of the state under a process of revolution from above and using development policymaking and components such as strategic and political pragmatism and a foreign perspective. The Singaporean government was able to lead development because it had the characteristics of a developmental state. In Singapore, the main centre of the developmental elite is the Singapore People's Action Party. The People's Action Party has won all elections since independence and is, in a way, the dominant party in Singapore. The Economic Development Board has been the central organisation guiding development in Singapore, and its main task is to focus on promoting investment and attracting capital. The Singaporean government still has a high degree of independence and has a high ability to manage conflicts between the government and the private sector or between the private sectors. This prominent role of the government has been recognised by the private sector and continues to this day. The management of the government's relations with the domestic private sector, the foreign private sector, especially multinational corporations and foreign governments, and the continuous success of the Singaporean government in managing these sectors for seventy years, demonstrates the high ability of the Singaporean developmental State to manage the economic interests of the private sector

and direct capital towards development goals. Singapore's civil society has been described as relatively weak and often under the control of the government. The government clearly promotes intervention in social affairs and its perception of national interests. In Singapore, we see an exchange between the government and the citizens. Functional legitimacy or rapid and continuous economic and development successes over decades allow the single-party government to maintain its political legitimacy without the need to share power with others.

Conclusion

The Singaporean government had a high degree of development in the style of Leftwich's developmental state, and for this reason, it was able to lead a developmental transition and achieve one of the most stunning and miraculous growths.

Keywords: Singapore, Developmental State, Developmental Transition, Singapore Development, Political Economy.



مقاله پژوهشی

نقش دولت در گذار توسعه‌ای سنگاپور

سعید صافی اردهایی^۱، سید احمد موثقی^{۲*}

۱. دانشجوی دکترای علوم سیاسی گرایش سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران،

تهران، ایران

۲. استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱

اطلاعات مقاله

چکیده

مقدمه: ترکیب رشد بالای اقتصادی و اقتدارگرایی سیاسی و نقش‌برجسته دولت در رشد و توسعه اقتصادی در سنگاپور ما را متوجه ویژگی‌های خاص و متفاوت با مدل غرب می‌نماید. نقش کلیدی دولت سنگاپور در این گذار توسعه‌ای ما را بر آن داشت تا بررسی این نقش، چگونگی ایفای سیاست‌گذاری توسعه‌ای توسط دولت و ویژگی‌های چنین دولتی بپردازیم تا با واکاوی اجزای این دولت بدانیم که چه چیزی باعث شد تا دولت سنگاپور بتواند ایفاگر نقشی کلیدی در این گذار توسعه‌ای باشد.

روش: سؤال اصلی تحقیق حاضر عبارت است از: نقش دولت در گذار توسعه‌ای سنگاپور چه بوده و این دولت دارای چه ویژگی‌هایی است که توانست گذار توسعه‌ای را راهبری کند؟ برای پاسخ به این سؤال به واکاوی اجزای دولت سنگاپور و سنجش وضعیت این دولت با متغیرهای مدنظر لفتویچ برای دولت توسعه‌گرا خواهیم پرداخت تا عیار توسعه‌گرایی این دولت سنجیده شود.

استناد به این مقاله:

صافی اردهایی، سعید و موثقی، سید احمد (۱۴۰۴). نقش دولت در گذار توسعه‌ای سنگاپور. پژوهشنامه نظم‌های منطقه‌ای آسیا، ۲ (۲)، ۷۵-۱۰۸.

مستخرج از رساله دکترای سعید صافی اردهایی با موضوع: نقش دولت در سیاست‌گذاری توسعه‌ای، استاد راهنما: دکتر احمد موثقی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

یافته‌ها: واژه دولت توسعه‌گرا به‌عنوان یک واژه انتزاعی از دل تجربه توسعه ژاپن و سپس برخی کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا وارد ادبیات توسعه گردید. تجربه رشد اقتصادی کشورهای چون کره جنوبی، تایوان، سنگاپور، چین، هنگ‌کنگ و مالزی (لفتویچ، ۱۴۰۰) و افزایش سطح رفاه و استانداردهای زندگی مردم این کشورها باعث شد پدیده‌ای رخ دهد که از آن تحت عنوان معجزه اقتصادی یاد می‌شود. علی‌رغم تفاوت‌های موجود میان این کشورها، بیشتر نظریه‌پردازان عامل موفقیت این کشورها را در عرصه سیاسی و نهادی این کشورها جست‌وجو می‌کردند و نظریه دولت توسعه‌گرا با عطف به عرصه سیاست و «پیوند اقتصاد و سیاست» و موضوع «دولت» به‌عنوان کانون توسعه، صورت‌بندی گردید و فقط چنین دولتی است که می‌تواند گذار توسعه‌ای را راهبری کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که توسعه فراتر از رشد اقتصادی بوده و مستلزم تغییرات رادیکال در نظام اجتماعی و جابه‌جایی طبقاتی و صنعتی‌شدن از طریق نقش و کارکرد منحصربه‌فرد و ویژه دولتی توسعه‌خواه است و سنگاپور نیز با نقش‌آفرینی ویژه دولت تحت یک فرایند انقلاب از بالا و با استفاده از سیاست‌گذاری توسعه‌ای و مؤلفه‌هایی مانند عمل‌گرایی راهبردی و سیاسی و نگاه خارجی موفق به گذار به یک وضعیت توسعه‌یافته شده است. دولت سنگاپور به این دلیل توانست امر توسعه را راهبری کند که از ویژگی‌هایی دولت توسعه‌گرا برخوردار بود. در سنگاپور مرکزیت اصلی نخبگان توسعه‌گرا را حزب اقدام مردم سنگاپور تشکیل می‌دهد. حزب اقدام مردم از زمان استقلال تاکنون در همه انتخابات‌ها پیروز شده است و به‌نوعی حزب مسلط سنگاپور است. هیئت توسعه اقتصادی سازمان مرکزی هدایت‌کننده توسعه در سنگاپور بوده است و وظیفه اصلی‌اش تمرکز بر ارتقا سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه بود. دولت سنگاپور همچنان دارای استقلال رأی بالایی است و توانایی بالایی در مدیریت تعارضات میان دولت بخش خصوصی یا بخش خصوصی با همدیگر دارد و این نقش پررنگ دولت توسط بخش خصوصی به رسمیت شناخته‌شده و تا امروز تداوم دارد. مدیریت روابط دولت با بخش خصوصی داخلی، بخش خصوصی خارجی خاصه شرکت‌های چندملیتی و دولت‌های خارجی و موفقیت مداوم و هفتادساله دولت سنگاپور در مدیریت این بخش‌ها نشان‌دهنده توان بالای دولت توسعه‌گرای سنگاپور در مدیریت منافع اقتصادی بخش خصوصی و هدایت سرمایه به سمت اهداف توسعه‌ای است. جامعه مدنی سنگاپور نسبتاً ضعیف و اغلب تحت کنترل دولت توصیف شده است. دولت به‌وضوح در امور اجتماعی مداخله و برداشتنش از منافع ملی را ترویج می‌دهد. در سنگاپور شاهد مبادله میان دولت - شهروند هستیم. مشروعیت عملکردی یا موفقیت‌های اقتصادی و توسعه‌ای شتابان و مداوم در طول دهه‌ها به دولت تک‌حزبی اجازه می‌دهد تا مشروعیت سیاسی خود را بدون نیاز به تقسیم قدرت با سایرین حفظ نماید.

نتیجه‌گیری: دولت سنگاپور دارای عیار بالایی از توسعه‌گرایی به سبک دولت توسعه‌گرای لفتویچ بود و به همین دلیل توانست گذر توسعه‌ای را راهبری کند و یکی از رشدهای خیره‌کننده و معجزه‌آسا را رقم بزند.

واژگان کلیدی: سنگاپور، دولت توسعه‌گرا، گذار توسعه‌ای، توسعه سنگاپور، اقتصاد سیاسی.

سرآغاز

امروزه آسیای شرقی ثروتمندترین قسمت جهان خارج از مراکز صنعتی قدیمی اروپای غربی و آمریکای شمالی به شمار می‌آید. علی‌رغم اقتدارگرایی سیاسی، نقض حقوق بشر، سرکوب اتحادیه‌های کارگری، تبعیض جنسیتی و بدرفتاری با اقلیت‌های قومی، شهروندان اقتصادهای شرق آسیا پیشرفت در درآمد و رفاه عمومی را تجربه کرده‌اند که در تاریخ بشر بی‌نظیر است.

معجزه شرق آسیا^۱ تا قرن آسیایی^۲ واژگانی هستند که برای توصیف رشد اقتصادی خیره‌کننده آسیا استفاده شده و یکی از نمونه‌های عالی این معجزه کشور سنگاپور است. سنگاپور با نام رسمی جمهوری سنگاپور^۳ کشوری جزیره‌ای و دولت‌شهری در ناحیه دریایی جنوب شرق آسیا است. این کشور در جنوب شبه‌جزیره مالایا واقع شده و کوچک‌ترین کشور جنوب شرقی آسیا است. اکثریت جمعیت سنگاپور را چینی‌ها تشکیل می‌دهند و از این منظر سطح قابل‌توجهی از ارزش‌های کنفوسیوسی مانند اطاعت از اقتدار و محافظه‌کاری را دارا هستند (کاپلان، ۲۰۱۹؛ Chua, 1997). سنگاپور دارای نیروی کار بسیار ماهر و مسلط به زبان انگلیسی به‌عنوان زبان کار خود هستند. سنگاپور در رتبه‌بندی شاخص رقابت‌پذیری جهانی در رتبه دوم پس از سوئیس و جلوتر از ایالات متحده رتبه سوم قرار دارد (IMD, 2017) و یکی از مرفه‌ترین کشورهای دنیا با سرانه تولید ناخالص داخلی بسیار بالاست. حجم تولید ناخالص داخلی سنگاپور در سال ۲۰۲۴ به ۵۴۷ میلیارد دلار رسیده که این کشور را در رده بیست و هفتمین اقتصاد بزرگ دنیا بالاتر از مثلاً ایران رده سی و پنجمی با تولید ناخالص داخلی ۴۷۸ میلیارد دلار قرار داده است (بانک جهانی، ۲۰۲۴). از لحاظ سیاسی اما سنگاپور در رتبه ۱۵۱ شاخص آزادی مطبوعات و هفتاد و چهارمین کشور در

1. The Miracle of East Asia

2. Asian Century

3. Republic of Singapore

شاخص دموکراسی است (بانک جهانی، ۲۰۱۶؛ گزارشگران بدون مرز، ۲۰۱۷). این ترکیب رشد بالای اقتصادی و اقتدارگرایی سیاسی در سنگاپور ما را متوجه ویژگی‌های خاص و متفاوت با مدل غرب می‌کند. در حقیقت یکی از کشورهای منطقه شرق آسیا که توانست متفاوت از مدل‌های لیبرال دموکراسی غربی یک گذار توسعه‌ای را تجربه و از کشوری باتلاقی به یکی از مراکز مهم مالی-ترانزیتی جهان که سالانه پذیرای میلیاردها دلار سرمایه خارجی است تبدیل شود، کشور سنگاپور است و در این میان نقش دولت بسیار برجسته است. نقش کلیدی دولت سنگاپور در این گذار توسعه‌ای ما را بر آن داشت تا بررسی این نقش، چگونگی ایفای سیاست‌گذاری توسعه‌ای توسط دولت و ویژگی‌های چنین دولتی بپردازیم تا با واکاوی اجزای این دولت بدانیم که چه چیزی باعث شد تا دولت سنگاپور بتواند ایفاگر نقشی کلیدی در این گذار توسعه‌ای باشد. پس سؤال اصلی تحقیق حاضر عبارت است از:

«نقش دولت در گذار توسعه‌ای سنگاپور چه بوده و این دولت دارای چه ویژگی‌هایی است که توانست گذار توسعه‌ای را راهبری کند؟»

برای پاسخ به این سؤال پس از بیان مقدمه کوتاهی راجع به سنگاپور و آشنایی با فضای عمومی و کلیات توسعه این کشور که در سطور فوق اشاره شد، ابتدا به واکاوی مفاهیم نظری گذار توسعه‌ای و سیاست‌گذاری توسعه‌ای می‌پردازیم و پس از بیان تعاریف نظری این مفاهیم و درک نقش کلیدی دولت در این عرصه به بیان ویژگی‌های دولتی می‌پردازیم که می‌تواند این گذار را راهبری کند. هر دولتی نمی‌تواند این گذار را راهبری کرده و کشور را به سرمنزل مقصود توسعه برساند. اینجاست که پای ادبیات نظری دولت توسعه‌گرا به میان آمده و ما در تحقیق حاضر دولت توسعه‌گرای لفت ویچ و ویژگی‌هایی که لفت ویچ برای دولت توسعه‌گرا برشمرده را بررسی خواهیم کرد و پس از آن وارد هسته اصلی تحقیق حاضر یعنی گذار توسعه‌ای در سنگاپور توسط دولتی توسعه‌خواه خواهیم شد. برای بیان این مسئله با استفاده از داده‌های کیفی و کمی به دست آمده از کتابخانه (اسناد، متون، کتاب‌ها و سایت‌های اینترنتی) که به روش

تحلیل مضمون، تحلیل شده‌اند ابتدا تاریخچه توسعه سنگاپور و شکل‌گیری دولت توسعه‌گرا در این منطقه را بررسی و سپس مهم‌ترین رویکردها و راهبردهایی که این دولت در سیاست‌گذاری توسعه‌ای اعمال کرده را کشف می‌کنیم. برای پاسخ به قسمت دوم سؤال تحقیق یعنی ویژگی‌های دولتی که توانسته گذار توسعه را راهبری کند به واکاوی اجزای دولت سنگاپور و سنجش وضعیت این دولت با متغیرهای مدنظر لفتویچ برای دولت توسعه‌گرا خواهیم پرداخت تا عیار توسعه‌گرایی این دولت سنجدیده شود تا بدانیم دولت سنگاپور در چه جاهایی و به چه میزان با دولت توسعه‌گرای مدنظر لفتویچ دارای مشابهات و تفاوت‌هاست.

۱. گذار توسعه‌ای و سیاست‌گذاری توسعه‌ای

موثقی (۱۳۹۶) معتقد است توسعه فراتر از رشد اقتصادی بوده و مستلزم تغییرات رادیکال در نظام اجتماعی و جابجایی طبقاتی و صنعتی شدن از طریق نقش و کارکرد دولتی توسعه‌خواه است. کشورهای آسیای شرقی توانستند یک گذار توسعه‌ای و انقلاب از بالا را با هدایت دولت در چارچوب نوعی سرمایه‌داری تجربه کرده و به رشد و توسعه مداوم دست یابند. کشورهای آسیای شرقی گونه متفاوتی از دولت، ایدئولوژی و سیاست‌ها را به کار بستند و نتایج بسیار مثبت‌تری گرفتند و توانستند با راهبری دولت توسعه‌خواه امر توسعه را پیش برده و خود را در جرگه کشورهای توسعه‌یافته ببینند. فرق این کشورها با کشورهای خاورمیانه و جهان‌سومی در ماهیت دولت و سیاست‌های آن است که این‌چنین تجربه متفاوتی را به ارمغان آورده است. دولت‌های آسیای شرقی با توجه به مراحل تاریخی و آغازین توسعه و درک عدم وجود نسخه واحد برای همه کشورها و تفاوت در بسترهای آسیای شرقی با جهان غرب، توانستند سیاست‌هایی را اتخاذ کنند که برای بستر کشورشان مفید و مؤثر باشد و نه مانند اکثریت جهان‌سومی‌ها که با چشمانی تقریباً بسته سیاست‌های نئولیبرال و یا

سوسیالیستی را اتخاذ و اجرایی کردند و به دلیل نادیده گرفتن تفاوت در بسترها و مراحل تاریخی و خاص در توسعه رفتار بحران‌های بزرگ سیاسی و اقتصادی شدند. در حقیقت کشورهای آسیای شرقی، مدرنیته را با توجه به بسترهای خاص سیاسی، اجتماعی، اقتصادی خاص هر کشور دنبال کردند و دست به بومی‌سازی مدرنیته زدند و این رمز موفقیت آن‌ها بود.

ها-جون چانگ^۱ معتقد است این پیشرفت در کشورهای آسیای شرقی مرهون رد «بازار گرایی و آزادسازی صرف» و اصطلاحاً سیاست‌های اجماع واشنگتن^۲ در اقتصاد آن‌ها و نشان دادن چهره‌ای متفاوت از مسیر توسعه در پندار رایج در غرب است (چانگ، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ و ۲۰۰۷). غرب مسیر توسعه را در طول چند قرن و با محوریت جامعه و از پایین به بالا پیمود اما در جهان سوم به دلیل بستر متفاوت، ضعف جامعه، تاریخ و اتمسفر متفاوت از غرب این فرایند به این صورت نمی‌تواند طی شود و راهبری امر توسعه مستلزم انقلاب از بالا با نقش‌آفرینی دولتی توسعه‌خواه است. در جهان غیر غرب هیچ بازیگری به اندازه دولت نمی‌تواند در راهبری امر توسعه موفق باشد و تنها دولت است که توان تغییرات رادیکال در ساختارهای نهادی، اجتماعی، اداری و حتی فرهنگی مردم و هدایت آن در جهات توسعه‌ای و برقراری نظم مدرن را دارد. در جهان سوم این دولت است که می‌تواند با اتخاذ و اجرایی کردن سیاست‌های صنعتی کشور را به سمت توسعه صنعتی به‌عنوان موتور محرکه توسعه ببرد.

فرمول توسعه را رشد اقتصادی به‌علاوه تغییرات ساختاری و اساسی دانسته‌اند که در هر دو مؤلفه رشد اقتصادی و تغییرات بنیادین نقش دولت توسعه‌خواه برجسته بوده و این دولت است که کشور را به سمت توسعه گذار می‌دهد و تنها دولت‌هایی می‌توانند فرایند گذار توسعه‌ای را راهبری کنند که دارای ویژگی‌های دولت‌های توسعه محور باشند.

1. Ha-Joon Chang
2. Washington Consensus

۲-۱. دولت توسعه‌گرا

گفتیم که دولت و ترتیبات نهادی کلیدی‌ترین نقش در گذار توسعه‌ای را بر عهده‌دارند و این نقش از طریق مداخلات دولت توسعه‌گرا صورت می‌پذیرد که در این بخش به ادبیات نظری دولت توسعه‌گرا می‌پردازیم.

واژه دولت توسعه‌گرا به‌عنوان یک واژه انتزاعی از دل تجربه توسعه ژاپن و سپس برخی کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا وارد ادبیات توسعه شد. تجربه رشد اقتصادی کشورهایی چون کره جنوبی، تایوان، سنگاپور، چین، هنگ‌کنگ و مالزی (لفت و ویچ، ۱۴۰۰) و افزایش سطح رفاه و استانداردهای زندگی مردم این کشورها باعث شد پدیده‌ای رخ دهد که از آن تحت عنوان معجزه اقتصادی یاد می‌شود. علی‌رغم تفاوت‌های موجود میان این کشورها، بیشتر نظریه‌پردازان عامل موفقیت این کشورها را در عرصه سیاسی و نهادی این کشورها جستجو می‌کردند و نظریه دولت توسعه‌گرا با عطف به عرصه سیاست و «پیوند اقتصاد و سیاست» و موضوع «دولت» به‌عنوان کانون توسعه، صورت‌بندی شد (لفت و ویچ، ۱۴۰۰: ۲۴۹).

برای چنین دولتی دو بعد ایدئولوژیک و ساختاری قائل شده‌اند. از لحاظ ایدئولوژیک چنین دولتی اساساً توسعه‌گراست و وظیفه اصلی یا رسالت اصلی خودش را رهنمون کردن کشور به سمت توسعه می‌داند. در جنبه ساختاری نیز بر توانایی دولت برای اجرای هوشمندانه و مؤثر سیاست‌های اقتصادی تأکید شده است. این توانایی‌ها شامل توانایی‌های گوناگون نهادی، فنی، اداری و سیاسی می‌شود. اگر دولتی هر دو ویژگی‌های ایدئولوژی توسعه‌گرایانه و ساختار توانمند و چابک را داشته باشد، چنین دولتی را اصطلاحاً دولت قوی می‌نامند. چنین دولتی با استفاده از قدرت، استقلال از طبقات و گروه‌ها و اقشار اجتماعی و توانایی نهادی و دیوان سالارانه کشور را به توسعه اقتصادی رهنمون کند، ظرفیت نهادی برای تعقیب اهداف توسعه‌ای را در خود داشته و دارای ارتباط ریشه‌دار با بخش خصوصی باشد (لفت و ویچ، ۱۴۰۰).

لفت و ویچ (۱۴۰۲) ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا را بیان کرده است که عبارت‌اند از:

- **نخبگان توسعه‌گرا:** گفتیم که توسعه در مدل شرق آسیا دولت‌محور بوده و بنابراین نخبگان دولتی از نقش و اهمیت بالایی برخوردارند. نخبگان توسعه‌گرا کادری کوچک از سیاستمداران و مقامات دولتی ارشد هستند که در ایجاد نظام توسعه و فرهنگ آن نقش‌آفرینی می‌کنند (لفتویچ، ۱۹۹۵). از نظر چالمرز جانسون (۱۹۸۲) «دولت‌های توسعه‌گرا بیش و پیش از همه بر حسب اولویت‌های نخبگانشان» تعریف می‌شوند، یعنی تعهد خلل‌ناپذیر نخبگان سیاست‌گذار به هدف اصلی که همانا توسعه اقتصادی است، هسته اصلی تعریف دولت توسعه‌گراست (Johnson, 1982:305-6).

این نخبگان دولتی منفصل از جامعه نیستند بلکه نخبگان توسعه‌گرا دارای پیوندهای استراتژیک با طبقه سرمایه‌دار کشور هستند زیرا این پیوند است که امر توسعه و تولید ثروت را جلو می‌برد و این ائتلافی توسعه‌گرایانه است. لازم به ذکر است ائتلاف نخبگان توسعه‌گرا با طبقاتی چون کارگر و زمین‌دار و طبقه پایین‌شهری موجب اتخاذ سیاست‌های پوپولیستی و ارتجاعی و ضد توسعه‌گرایانه توسط آنان می‌شود.

- **استقلال نسبی دولت:** استقلال نسبی نخبگان و نهادهای دولتی دیگر ویژگی دولت‌های توسعه‌گرا است. دولت توسعه‌گرا، استقلال دارد یعنی اینکه این دولت می‌تواند در برابر خواسته‌های گروه‌ها و طبقات گوناگون، آزادی عمل نسبی داشته باشد. هانتینگتون در مبحث استقلال دولت‌ها مسئله درجه استقلال نهادها و سازمان‌های سیاسی را مطرح می‌کند. درجه استقلال سازمان سیاسی از نیروهای اجتماعی یکی از معیارهای نهادمندی مدنظر هانتینگتون است. به اعتقاد هانتینگتون مصالح و ارزش‌های خاص این سازمان‌ها متمایز از مصالح و ارزش‌های نیروها و طبقات اجتماعی است و به‌هیچ‌وجه تابعی از آن‌ها نیست (هانتینگتون، ۱۴۰۰: ۳۶-۳۷). این به معنی انفصال دولت از جامعه نبوده زیرا دولت توسعه‌گرا از میان همه طبقات اجتماعی دارای روابط ویژه با طبقه سرمایه‌دار است و با شراکت راهبردی با این طبقه است که امر توسعه را جلو می‌برد (Chang, 2002:195). هرچند در رابطه با این طبقه نیز دست بالا را دارد و

استقلال نسبی دولت برای به انضباط در آمدن سرمایه‌های خصوصی و هدایت بازار و دستیابی به عملکردهای اقتصادی و رشد مداوم ضروری است. در دولت‌هایی که فاقد ویژگی استقلال هستند، دولت بازیچه نیروها و طبقات اجتماعی مختلف شده و ائتلاف‌های رانت‌جویانه و غیرتوسعه‌گرایانه‌ای میان نخبگان غیردولتی و نخبگان دولتی به وجود می‌آید که شدیداً ضد توسعه‌گرایانه است (Amsden, 1989).

- قدرت دیوان سالارانه و سازمان راهبری مرکزی: قدرت، کارآمدی و استقلال دیوان‌سالاری یکی از ملزومات توسعه اقتصادی است و در تمامی دولت‌های توسعه‌گرا نهادهایی به‌عنوان طراح و مجری سیاست‌های اقتصادی، امر توسعه را به پیش می‌برند و همچنین این نهادها دارای قدرت واقعی، اقتدار فنی و استقلال نسبی در شکل‌دهی به اجرای سیاست‌های توسعه هستند. این دیوان‌سالاری برکنار از فشار گروه‌های اجتماعی به امر سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها می‌پردازند. در این‌گونه دیوان‌سالاری‌ها این ضابطه و قانونمندی است که بر رابطه و رانت غلبه دارد (لفت ویچ، ۱۴۰۰: ۱۰۰؛ لفت ویچ، ۱۴۰۰: ۲۵۶-۲۵۸).

بروکراسی اقتصادی وظیفه شکل دادن و هدایت توسعه اقتصادی را بر عهده داشته و به‌عنوان مراکز اصلی جهت‌گیری راهبردی اقتصادی در دولت‌های توسعه‌گرا عمل می‌کنند و نوعی ستاد کل اقتصادی هستند (Wade, 1990:96). میتی^۱ ژاپن یا هیئت توسعه اقتصادی سنگاپور^۲ نمونه‌هایی از بروکراسی اقتصادی هستند. این بروکراسی یک جسم بی‌روح هست که توسط روح ایدئولوژی ناسیونالیستی و توسعه‌خواهی که از آن مشتق شده است به حرکت درمی‌آید. از نظر هاسو (۲۰۱۷) این نهادینه‌شدگی بروکراسی بر بستر وسیع‌تر محیط اجتماعی و فرهنگی صورت می‌پذیرد. در بخش قبلی اشاره شد که تنها دولت است که می‌تواند تغییرات رادیکال در نظم اجتماعی ایجاد کند.

1. Ministry of International Trade and Industry (MITI)
2. Singapore's Economic Development Board

- **جامعه مدنی ضعیف و کنترل‌شده:** جامعه مدنی مجموعه‌ای از نهادها، انجمن‌ها و تشکل‌های اجتماعی مستقل از دولت و قدرت سیاسی است که در صورت‌بندی قدرت سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. در دولت‌های توسعه‌گرا (در کشورهای درحال توسعه) جامعه مدنی یا بدواً قدرت چندانی نداشته و ضعیف بوده (که در بیشتر موارد این‌طور بوده است) و یا دولت توسعه‌گرا در این جوامع توانسته است برکنار از فشارها و مطالبات حقوق بشری، لیبرالی و دموکراتیک جامعه مدنی، آن را مهار و بدون مزاحمت‌های احتمالی جامعه مدنی، فرایند توسعه را در مراحل اولیه با اقتدار به پیش ببرد (لفت و ویچ، ۱۴۰۰: ۲۸۵).

شواهد تجربی حاکی از آن است که در دولت‌های توسعه‌گرا، فرضیه رابطه مثبت میان جامعه مدنی ضعیف با پیشبرد فرایند توسعه (حداقل در مراحل آغازین آن) درست‌تر به نظر می‌آید. لازم به ذکر است که وجود حداقلی از جامعه مدنی برای جلوگیری از توتالیتار شدن حکومت و بیش‌ازحد امنیتی شدن فضای جامعه کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. البته در مراحل بعدی توسعه در دولت‌های توسعه‌گرا و با افزایش درآمدهای ملی و به تبع آن درآمد سرانه، جامعه مدنی به تدریج رو به قوت حرکت می‌کند.

- **مدیریت منافع بخش خصوصی:** دولت توسعه‌گرا با استفاده از نفوذ سیاسی نخبگان توسعه‌گرا و ارتباط داخلی بروکراسی اقتصادی با نخبگان بخش خصوصی و البته رعایت اصل استقلال نسبی، منافع اقتصادی غیردولتی را به‌طور مؤثر مدیریت و توانایی بخش خصوصی را به سمت اهداف ملی سوق می‌دهد (لفت و ویچ، ۱۹۹۵). جذب سرمایه و شرکت‌های خارجی و مدیریت روابط دولت و شرکت‌های خصوصی داخلی با آن‌ها نیز وظیفه‌ای است که ذیل آن تعریف می‌شود. شایان ذکر است که دیپلماسی فعال اقتصادی از ابزارهای مهم انجام این وظیفه است.

- **مشروعیت عملکردی:** دولت‌های توسعه‌گرا با اطمینان از توزیع مناسب مزایای حاصل از نرخ رشد بالایی که حصول کرده‌اند قادر به حفظ حاکمیت و مشروعیت خود هستند و این یعنی جایگزینی مشروعیت دموکراتیک با عملکردی. حتی نمونه‌هایی وجود دارد که اگر مشروعیت عملکردی افت کند مشروعیت سیاسی نیز به خطر می‌افتد. کناره‌گیری سوهارتو از قدرت در اندونزی پس از بحران مالی آسیا در ۱۹۹۷ مثالی برای این مدعاست (Zhu, 2011). در اینجا باید گفت که یک رابطه ذاتی و ضمنی میان دولت توسعه‌گرا و سیاست صنعتی وجود دارد (Low, 2011a) و دولت توسعه‌گرا خود را ملزم به توسعه تجاری-صنعتی کشور و ایجاد ثروت از این طریق می‌داند و هرگاه از عهده چنین کاری برنیاورد آنگاه مشروعیت سیاسی نیز به خطر می‌افتد.

۲. نقش دولت در گذار توسعه‌ای سنگاپور: تاریخچه، رویکردها و مؤلفه‌ها

تأسیس سنگاپور مدرن توسط سر استنفورد رافلز^۱ در سال ۱۸۱۹ اتفاق افتاد و سنگاپور تبدیل به یک مرکز بازرگانی عظیم برای امپراتوری بریتانیا شد. به‌جز مدت کوتاه اشغال کشور توسط ژاپن در جنگ جهانی دوم، سنگاپور بیش از یک قرن مرکز با ثبات تجارت دریایی بوده است. در سال ۱۹۵۹ دولت انگلیس استقلال سنگاپور را در تمام زمینه‌ها به‌جز سیاست خارجی و دفاعی اعلام کرد. هم‌زمان حزب اقدام مردم^۲ سنگاپور به رهبری لی کوان یو^۳ اکثریت آرای انتخابات را کسب کرد و میخ شروع را محکم کوبید (اکونومیست، ۲۰۱۵). سنگاپور به مدت کوتاهی با مالزی یکی شد که به دلیل تبعیض سیستماتیک دولت مالزی و شورش‌های خشونت‌آمیز بالاخره در ۱۹۶۵ به استقلال رسید (Chan, 1971). درگیری‌ها با مالزی، حمله ژاپن و درگیری مسلحانه

1. Sir Thomas Stamford Bingley Raffles

2. People's Action Party (PAP)

3. Lee Kuan Yew

کونفوتاسی^۱ در سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۶ با اندونزی باعث ایجاد نگرش محاصره‌شدگی یا تنهایی استراتژیک در رهبران سنگاپور شده و انگیزه آن‌ها برای نیل به توسعه و پیشرفت را صدچندان کرد (انجمن کتابخانه ملی سنگاپور، ۲۰۱۷).

با استقلال سنگاپور و خروج نیروهای انگلیسی از سنگاپور دو مشکل عمده برای این کشور ایجاد شد. یکی امنیت ملی کشور که پیوسته توسط همسایگانش تهدید می‌شد و دومی اقتصاد. ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی سنگاپور متعلق به پایگاه‌های نظامی انگلیس بود و ۲۵ هزار نفر سنگاپوری نیز مشغول کارگری در پایگاه‌های انگلیس بودند. سنگاپور در مواجهه با این افول بزرگ به اتخاذ استراتژی صنعتی سازی صادرات‌گرا دست یازید (Low, 2001a). همسایگان سنگاپور با توجه به تجربه استعماری‌شان از هرگونه ورود سرمایه و شرکت خارجی به کشورهایشان واهمه داشتند و آن را مغایر با استقلال تازه به دست آورده خود می‌دانستند. سنگاپور اما از این خلأ استفاده و شروع به جذب گسترده سرمایه خارجی و شرکت‌های چندملیتی علی‌الخصوص شرکت‌های غربی کرد. جذب شرکت‌های چندملیتی دو تأثیر بزرگ داشت: ۱- افزایش محصولات تولید شده در سنگاپور و صادرات محصولات به خارج و برجسته شدن منطقه‌ای سنگاپور و ۲- انتقال فناوری و تخصص به کارگران داخلی (Low, 2006).

سنگاپور علی‌رغم نداشتن سرزمین داخلی و فقط یک شهر بندری بودن اما به‌خوبی توانسته از ژئوپلیتیک خود استفاده کند به‌طوری‌که در عرض ۱۱ سال (۱۹۵۹ تا ۱۹۷۰) توانست تعداد کشتی‌های عبوری را دو برابر و وزن کالاهای عبوری را سه برابر کند (Rajaratnam, 1972). سنگاپور توانست خود را به‌عنوان شهر جهانی و سومین مرکز مالی مهم جهان تا همین امروز حفظ کند.

اندازه اقتصاد یک کشور را با شاخص تولید ناخالص داخلی^۲ می‌سنجند. حجم کل اقتصاد سنگاپور در سال ۱۹۶۵ چیزی در حدود ۹۷۵ میلیون دلار بود که هم‌اکنون به

1. Konfrontasi
2. GDP

۵۴۷ میلیارد دلار رسیده است و این یعنی حجم اقتصاد سنگاپور از بدو تأسیس تا ۲۰۲۴ تقریباً ۵۶۱ برابر شده است. در جدول بعد اعداد تولید ناخالص داخلی سنگاپور در ادوار مختلف آمده است:

جدول ۱: تولید ناخالص داخلی سنگاپور

تولید ناخالص داخلی	سال
۹۷۵ میلیون دلار	۱۹۶۵
۲ میلیارد دلار	۱۹۷۰
۱۲ میلیارد دلار	۱۹۸۰
۳۴ میلیارد دلار	۱۹۹۰
۹۶ میلیارد دلار	۲۰۰۰
۲۴۰ میلیارد دلار	۲۰۱۰
۳۴۹ میلیارد دلار	۲۰۲۰
۵۴۷ میلیارد دلار	۲۰۲۴

منبع: Countryeconomy

بزرگی این ارقام وقتی فهمیده می‌شود که بدانیم تولید ناخالص داخلی کشورهای وسیع‌تر و پرجمعیت‌تری مانند پاکستان و فیلیپین در سال ۲۰۲۴ به ترتیب ۳۴۶ و ۴۶۱ میلیارد دلار و تولید ناخالص داخلی کشورهای کم‌جمعیت و کم‌وسعت و اصطلاحاً هم‌اندازه سنگاپور مانند قطر و کویت در سال ۲۰۲۴ به ترتیب ۲۱۶ و ۱۵۹ میلیارد دلار بوده است با این تفاوت که کشورهای فوق دارای منابع فراوان نفتی و گازی هستند و این در حالی است که سنگاپور فاقد منابع طبیعی است (بانک جهانی، ۲۰۲۴). و این همان معجزه اقتصادی و جهش توسعه‌ای است که از آن سخن گفته می‌شود. مؤلفه‌های زیادی باعث این گذار توسعه‌ای و افزایش شدید در اندازه اقتصاد سنگاپور

شده است. عمل‌گرایی راهبردی^۱ یکی از مؤلفه‌های توسعه سنگاپور است. رویکرد دولت‌محوری و عمل‌گرایانه در اقتصاد که مفهوم آن توسط یکی از رهبران اولیه سنگاپور دکتر گو کنگ^۲ وزیر دارایی فقید این کشور مطرح شد. عمل‌گرایی راهبردی اساساً به رویکردی دوجانبه برای ایجاد یک دیدگاه یا راهبرد اصلی منسجم و توسعه هوش عملی برای اجرای مؤثر این راهبرد اشاره دارد (Schein, 1996:75). این راهبرد به‌نوعی راهبردی در تفکر و عمل‌گرایانه در اجرا توصیف شده است (Ngiam, 2010:28). عمل‌گرایی راهبردی به دنبال شناساندن سنگاپور به‌عنوان مکان مناسب برای توسعه و میزبانی از اقتصاد و سرمایه است و این گزاره که سنگاپور مکان مناسبی برای اقتصاد و سرمایه است به‌عنوان یک اصل استراتژیک در تمام برنامه‌ریزی‌ها و ادارات و ... سرلوحه قرار می‌گیرد.

مؤلفه دیگر در توسعه سنگاپور، عمل‌گرایی سیاسی^۳ است که اغلب عمل‌گرایی را ایدئولوژی‌زدایی که سعی در استفاده از ظرفیت‌ها و تفکرات گوناگون و هر آنچه به کار آید و مفید به فایده باشد تفسیر کرده‌اند. لی کو ان یو بنیان‌گذار سنگاپور می‌گوید: «ما عمل‌گرا هستیم ما به یک ایدئولوژی پایبند نیستیم ما به هیچ ایدئولوژی وابسته نیستیم» (افخمی، ۱۴۰۱) عمل‌گرایی سیاسی در امتداد عمل‌گرایی راهبردی تعریف و عملیاتی می‌شود. این عمل‌گرایی در دو سطح اجرایی شد. یکی سطح فرایندهای اداری و سیاست‌های عمومی و افزایش کارایی و بهره‌وری بروکراسی و دو در سطح اساسی‌تر و پایه‌ای‌تر، عمل‌گرایی به‌عنوان ایدئولوژی مرکزی حکومت سنگاپور. این پراگماتیسم راهبردی به سنگاپور اجازه می‌داد تا هدف مرکزی توسعه اقتصادی صنعتی را بر تمام شئون دیگر برتری دهد. به‌طور خلاصه رویکرد سنگاپور برای حاکمیت اقتصادی و سیاست صنعتی با دو اصل ایدئولوژیکی مشخص می‌شود: جهانی‌شدن و عمل‌گرایی

-
1. Strategic pragmatism
 2. Dr Goh Keng Swee
 3. Political pragmatism

راهبردی. اصل اول رویکرد برون‌گرایانه اقتصادی را تضمین می‌کند و ابزارش دیپلماسی اقتصادی به شدت فعال است و اصل دوم نیز باعث انسجام سیاست‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت به سمت اهداف بلندمدت توسعه اقتصادی - صنعتی - تکنولوژیک می‌شود. این که رویکرد سنگاپور در توسعه اقتصادی و سیاست صنعتی توسط دو اصل جهت‌گیری خارجی و عمل‌گرایی راهبردی (و سیاسی) هدایت می‌شود معلول وجود دولت قدرتمند توسعه‌گراست. اینکه سنگاپور توانسته سرزمین دورافتاده‌اش را در قامت یک شهر جهانی پیشرو تبدیل کند و در ردیف سومین مرکز مالی قدرتمند جهان قرار بگیرد (Yeandle, 2016)، این که سنگاپور به یک مرکز بزرگ مالی-ترانزیتی در جهان تبدیل شده نتیجه تلاش‌های دولت برای مدیریت و استفاده از نیروهای اقتصاد سیاسی جهانی برای اهداف توسعه داخل بوده است (Woo, 2017). دولت سنگاپور ابتدا با جذب شرکت‌های چندملیتی شروع و با توسعه پارک‌های صنعتی در منطقه آسیا اقیانوسیه و ترغیب شرکت‌های سنگاپوری برای تولید و صادرات در این پارک‌ها و هم‌افزایی اقتصادی حاصله راهبرد منطقه‌ای شدن را در دهه ۱۹۹۰ تاکنون دنبال کرده است (Pereira, 2005). دولت سنگاپور برای جبران ضعف شرکت‌های خصوصی داخل مانند کمبود سرمایه، نیروی کار و توان پایین رقابت‌پذیری و عقب‌ماندگی تکنولوژیکی مجبور شد خودش بخشی از نقش کارآفرینی را با استفاده از شرکت‌های مرتبط دولتی^۱ بر عهده بگیرد. افزایش سرمایه و توانایی رقابت‌پذیری این شرکت‌ها در راستای راهبرد منطقه‌ای و توانمند شدن آن‌ها در قیاس با شرکت‌های منطقه از کارهای انجام گرفته توسط دولت بود. علاوه بر این‌ها دولت خودش مستقیماً با دولت‌های دیگر کارهای صنعتی بزرگ را ترتیب داد. شهرک صنعتی سوژ^۲ اکو شهر تیانجین^۳ و طرح اتصال بین چین و سنگاپور، توسعه شهر هوشمند جدید اماراواتی^۴ با هند نمونه‌هایی از

-
1. government-linked companies (GLCs)
 2. The Suzhou Industrial Park
 3. Tianjin Eco-City
 4. new smart city, Amaravati

نقش‌آفرینی دولت سنگاپور در راستای راهبرد عمل‌گرایی اقتصادی است (Ravishankar, 2016 & Koh, 2016).

۳. اجزای دولت توسعه‌گرا در سنگاپور

پس از بیان تاریخچه توسعه در سنگاپور و چگونگی گذار توسعه‌ای سنگاپور، می‌خواهیم به واکاوی این موضوع پردازیم که دولت سنگاپور دارای چه ویژگی‌هایی بود که توانست با استفاده از عمل‌گرایی راهبردی و سیاسی و نیز جذب سرمایه خارجی به توسعه اقتصادی رسیده و فرایند گذار توسعه‌ای را راهبری کند. در اینجا به بررسی و واکاوی اجزای دولت سنگاپور با متغیرهای دولت توسعه‌گرای لفت ویچ و خواهیم پرداخت.

- نخبگان توسعه‌گرا

با توجه به اهمیت نخبگان توسعه‌گرا در دولت‌های توسعه‌خواه شرق و جنوب شرقی آسیا باید به اوضاع و احوال و افکار و ایده‌های ترقی خواهانه و ملی‌گرایانه توجه ویژه داشت چه آنکه بار توسعه کشورهای در حال توسعه بر عهده نخبگان آن جوامع است و این نخبگان هستند که امضای خود و افکار و شخصیت خود را بر آن کشورها زده و دست به معماری کشورشان می‌زنند.

در سنگاپور مرکزیت اصلی نخبگان توسعه‌گرا را حزب اقدام مردم سنگاپور تشکیل می‌دهد. حزب اقدام مردم از زمان استقلال تاکنون در همه انتخابات‌ها پیروز شده و به‌نوعی حزب مسلط سنگاپور است. لازم به ذکر است سیستم سیاسی سنگاپور میراثی از وست مینیستر^۱ انگلیس است که در آن دولت به‌وسیله حزب اکثریت پارلمان تشکیل می‌شود و نخست‌وزیر اداره دولت را بر عهده‌دارد. لی کوان یو از ۱۹۵۹ تا ۱۹۹۰، گو

چوک تونگ^۱ از ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۴، لی هسین لونگ^۲ فرزند ارشد لی کوان یو از ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۴ نخست وزیران سنگاپور بوده که همگی از حزب اقدام مردم هستند. در این میان تأثیر لی کوان یو معمار توسعه سنگاپور بسیار برجسته است به طوری که ریل گذاری اصلی توسعه کشور توسط او پی ریزی شده و امضای او بر کشور سنگاپور زده شده است. نخبگان توسعه گرای سنگاپور تنها از حزب مردم تشکیل نشده اند. نخبگان سیاسی، اداری و فعالان اصلی صنعت نیز الصاق به نخبگان توسعه گرای حکومتی بوده و در امتداد آن ها فعالیت می کنند (Hamilton-Hart, 2000 & 2002). درست است که تصمیمات اساسی توسط رهبران سیاسی اتخاذ می شود اما نقش الیت تجاری-صنعتی در راهبری و اجرای این تصمیمات بسیار مهم است. فعالان بخش صنعت یا الیت صنعتی از طریق فرایندهای غیررسمی ایجاد سیاست^۳ (تفاهم مشترک با دولت و رسیدن به یک سیاست مشترک و بازی برد برد که اغلب اهداف تولید ثروت و توسعه صنعتی را دنبال می کند) تأثیرات خود را بر سیاست رسمی می گذارند.

- بروکراسی

در دولت های توسعه گرا توسعه توسط یک سازمان راهبری بزرگ و نیز بروکراسی کارآمد دولتی به پیش می رود. هیئت توسعه اقتصادی (EDB^۴) سازمان مرکزی هدایت کننده توسعه در سنگاپور بوده است که در اوت ۱۹۶۱ به عنوان یک سازمان همه جانبه تأسیس شد تا «سرمایه گذار نیازی به تعامل با تعداد زیادی از ادارات و وزارتخانه ها نداشته باشد و وظیفه اصلی اش تمرکز بر ارتقا سرمایه گذاری و جذب سرمایه بود» (Woo, 2015). ای.دی.بی در ادامه علاوه بر بحث سرمایه گذاری سایر

-
1. Goh Chok Tong
 2. Lee Hsien Loong
 3. Policy design
 4. Economic Development Board (EDB)

وظایف توسعه‌ای مانند اشتغال و توسعه نیروی انسانی و راهبری سیاست‌های صنعتی را نیز عهده‌دار شد (Wai-chung Yeung, 1998).

ای.دی.بی. راهکارهای هدفمند، طراحی و ارائه شده از جمله فرایندهایی مانند طراحی و تدوین سیاست، اجرا و ارزیابی سیاست‌های اقتصادی مانند جذب سرمایه، تسهیل مسیر سرمایه‌گذاری، ارتقای تولید، بهبود فضای کسب‌وکار و حفظ رقابت‌پذیری اقتصادی سنگاپور را انجام می‌دهد. تخصیص منابع دولتی در توسعه صنعت و جدیداً تمرکز ویژه بر فناوری اطلاعات و ارتباطات و نوآوری فناوری‌های هوشمند و غیره نیز از وظایف جدید این سازمان است (EDB, 2016&2017). نقش مهم ای.دی.بی. بهبود و حفظ رابطه دولت با صنعت داخلی و شرکت‌های خارجی چندملیتی است (Huff, ۱۹۹۹). ای.دی.بی. علاوه بر داخل سنگاپور در خارج نیز دفاتر جهانی داشته تا سرمایه‌گذاران و شرکت‌های خارجی را نیز از اقصی نقاط جهان جذب کند. نقش رابط بین دولت سنگاپور، صنعت داخلی و شرکت‌ها و سرمایه‌های خارجی مهم‌ترین وظیفه این سازمان است. ذکر این نکته بسیار مهم است که اغلب مدیران ای.دی.بی. از بخش خصوصی انتخاب می‌شوند و دولت از این طریق بخش خصوصی را درگیر اجرا و طراحی سیاست‌های اقتصادی کرده است و این باعث تقویت رابطه دولت با بخش خصوصی می‌شود (Swan, 2017:188).

در موفقیت ای.دی.بی. همین بس که میزان جذب سرمایه مستقیم خارجی در سنگاپور از ۹۳ میلیون دلار در سال ۱۹۷۰ به ۳۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ رسیده و این روندی است که هر ساله با رشد همراه است به طوری که مجموع سرمایه‌گذاری شده مستقیم خارجی در گردش در سال ۲۰۲۰ به ۱۹۲ میلیارد دلار رسیده که بیشتر از حجم کل اقتصاد بسیاری از کشورهاست (بانک جهانی، ۲۰۲۴).

پیچیدگی اقتصاد سنگاپور و لزوم سازگاری با تحولات جدید باعث تشکیل سازمان‌های راهبری دیگری نیز شد. مرجع پولی سنگاپور (MAS¹) در ۱۹۷۱ به‌عنوان متولی امور پولی مالی تأسیس شد. تخصص بالا و اختیارات ویژه در امور پولی مالی باعث سازمان‌دهی سیاست‌های پولی مالی سنگاپور شد (Woo, ۲۰۱۶ b).

- استقلال نسبی دولت سنگاپور

دولت سنگاپور تا حد زیادی استقلال از نیروهای سیاسی-اجتماعی داشته به‌طوری‌که توصیف آن به‌عنوان یک دولت اجرایی تضمین می‌کند که می‌تواند سیاست‌هایش را به روشی مکانیکی و تکنولوژیکی عاری از نفوذ یا فشار سیاسی-اجتماعی به اجرا درآورد (چان، ۱۹۷۱). در مورد تأثیرگذاری بخش خصوصی بر سیاست‌های دولتی نیز باید گفت که این تأثیر وجود دارد اما جهت این تأثیرات توسعه‌گرایانه و تولید ثروت بوده و ثانیاً همان‌طور که هارت هامیلتون (۲۰۱۶) می‌گویند: «فعالان دولتی و غیردولتی از نظر علایق، نقش‌ها و مسیرهای شغلی خود در هم تنیده‌اند: و ضمن آنکه جابجایی عادلانه و غیر رانتی میان مدیران بخش خصوصی با کارمندان ارشد دولتی و مدیران سیاسی نیز امری رایج در سنگاپور است. علی‌رغم وجود کانال‌های ارتباطی گسترده میان دولت و بخش خصوصی و سهم شدن بخش خصوصی در مشورت‌ها و سیاست‌گذاری‌ها اما دولت همچنان دارای استقلال رأی بالایی است و توانایی بالایی در مدیریت تعارضات میان دولت بخش خصوصی یا بخش خصوصی با همدیگر دارد و این نقش پررنگ دولت توسط بخش خصوصی به رسمیت شناخته شده و تا امروز تداوم دارد (Woo, 2016).

1. Monetary Authority of Singapore (MAS)

- مدیریت منافع اقتصادی غیردولتی

دولت سنگاپور از بدو تأسیس تاکنون به دلیل کمبود فضا-سرمایه به جذب سرمایه خارجی و نیز رشد شدید و سریع اقتصادی-ترانزیتی روی آورد و این مستلزم حضور شرکت‌های خارجی خصوصی و نیز تقویت بخش خصوصی داخلی بوده است. مدیریت منافع شرکت‌ها و نیز مدیریت تعارضات احتمالی و هدایت سرمایه و فعالیت‌های آنان در جهات ضروری و توسعه‌ای از اهم وظایف دولت توسعه‌گراست و این نیازمند یک دولت قوی و توانمند است. دولت این وظیفه را بر عهده ای.دی.بی به‌عنوان رابط اصلی دولت و شرکت‌های خصوصی خارجی گذاشته است (Dent, 2003). مدیریت روابط دولت با بخش خصوصی داخلی، بخش خصوصی خارجی خاصه شرکت‌های چندملیتی و دولت‌های خارجی و موفقیت مداوم و هفتادساله دولت سنگاپور در مدیریت این بخش‌ها نشان دهنده توان بالای دولت توسعه‌گرای سنگاپور در مدیریت منافع اقتصادی بخش خصوصی و هدایت سرمایه به سمت اهداف توسعه‌ای است.

تمرکز سنگاپور بر رشد و توسعه اقتصادی و تلاش دولت در ادغام شیوه‌های مدیریت بخش خصوصی در فرایندهای سیاست دولتی باعث شده است تا رویکرد حاکمیت اقتصادی سنگاپور را شرکت سنگاپور^۱ بنامند (Low, 2006).

- جامعه مدنی

جامعه مدنی سنگاپور نسبتاً ضعیف و اغلب تحت کنترل دولت توصیف شده است. دولت به وضوح در امور اجتماعی مداخله و برداشتش از منافع ملی را ترویج می‌دهد (Koh et al, 2017). نگاه حکومت به انتخابات یک نگاه ابزاری برای مشروعیت بخشی است و جامعه مدنی را مانند خمیری برای منافع تخصصی حکومت شکل می‌دهد و آن را مدیریت و کنترل می‌کند. در سنگاپور شاهد وجود رویه‌های رسمی دموکراتیک بدون

1. Singapore Inc

سیاست هستیم که ویژگی اساسی دموکراسی های غیر لیبرال است (Perry *et al*, 1997). سنگاپور در رتبه ۷۴ از بین ۱۶۷ کشور جهان در شاخص دموکراسی اکونومیست قرار داشته و اکونومیست آن را دموکراسی ناقص^۱ توصیف می کند (اکونومیست، ۲۰۱۶). لازم به ذکر است که دخالت و کنترل دولت بر جامعه مدنی یک دخالت ظریف است و از اقتدارگرایی لخت و عریان دیکتاتوری های در حال توسعه خبری نیست. این کنترل به شکل غیرمستقیم و گفتمانی اعمال می شود، مرزهایی محصور برای فعالیت جامعه مدنی کشیده شده و به جای تأکید بر آزادی و دموکراسی بر مفاهیمی مانند مدنیت، خدمت منافع ملی و نظم عمومی تأکید می شود (Lee, 2002).

کنترل دولت بر جامعه مدنی در تسهیل رشد اقتصادی سنگاپور نقشی اساسی ایفا کرده است. این کنترل با پذیرش مردم و اعتماد آن ها به دولت و نیز اطمینان مردم از رشد و توسعه اقتصادی شتابان همراه بوده و وقتی مردم ثمرات عینی توسعه مانند سطح رفاه، اشتغال بالا و تورم پایین را بچشند و اطمینان داشته باشند که در صورت همراهی با دولت این توسعه مداوم و افزایشی خواهد بود قطعاً با اقتدار دولت در اجتماع و جامعه مدنی همراهی خواهند کرد.

- مشروعیت عملکرد

در سنگاپور شاهد مبادله میان دولت-شهروند هستیم. مشروعیت عملکردی یا موفقیت های اقتصادی و توسعه ای شتابان و مداوم در طول دهه ها به دولت تک حزبی اجازه می دهد تا مشروعیت سیاسی خود را بدون نیاز به تقسیم قدرت با سایرین حفظ کند (Chua, 2010). یعنی رشد اقتصادی و تولید ثروت و رفاه از طرف دولت با همراهی مردم با حزب اقدام خلق و چشم پوشی بر اقتدارگرایی دولت در حوزه های دیگر از طرف مردم دائماً در حال مبادله است. جایگاه حزب مسلط در سنگاپور به

حدی معتبر است که در هنگامه بحران نیز این مبادله میان اکثریت شهروندان با آن پابرجاست. بحران اقتصادی ۱۹۸۰، بحران مالی آسیا ۱۹۹۷ و بحران جهانی ۲۰۰۸ نیز نتوانست اعتماد مردم به حزب را خدشه‌دار کند. علاوه بر توسعه مداوم و شتابان این اعتماد ریشه در عوامل دیگری مانند نقش حزب مردم و لی‌کو‌ان‌یو در استقلال و سپس عظمت سنگاپور و نیز مبانی عمل‌گرایانه و غیر ایدئولوژیک حزب دارد که سلاقی متفاوت را جذب می‌کند و نیز وجود شایسته‌سالاری مفرط و نظم و عدالت بالا در بروکراسی دولتی که باعث اعتماد و اطمینان بالای مردم به دولت و سیستم اجرایی سنگاپور شده است.

فرجام سخن

توسعه فراتر از رشد اقتصادی صرف بوده و مستلزم تغییرات رادیکال در نظام اجتماعی و نیز صنعتی شدن است. توسعه وضعیتی است که از یک مبدأ نامطلوب به یک مقصد مطلوب گذار می‌شود. در اینجا کلیدی‌ترین نقش متعلق به دولت است. این دولت است که امر توسعه را راهبری می‌کند و هر دولتی نمی‌تواند امر توسعه را جلو ببرد و تنها دولت‌هایی می‌توانند گذار توسعه‌ای را راهبری کنند که دارای جهت‌گیری‌های توسعه‌ای در سه حوزه نظری سیاسی و اجرایی باشند. چنین دولتی دارای نظام بوروکراسی، مداخله‌گری و قدرت متفاوت‌تری از دولت‌های غربی است. لغت ویچ شش ویژگی برای چنین دولتی ذکر می‌کند. نخبگان توسعه محور، استقلال نسبی دولت، قدرت بوروکراتیک، جامعه مدنی ضعیف، مدیریت مؤثر منافع اقتصادی غیردولتی و مشروعیت عملکردی.

دولت سنگاپور توانست با عمل‌گرایی راهبردی-سیاسی و نگاه خارجی امر توسعه را راهبری کرده و سنگاپور را از یک شهر باتلاقی کم‌اهمیت به مرکز مهم مالی-ترانزیتی جهان گذار دهد. عمل‌گرایی راهبردی یعنی همه امور حول محور توسعه‌خواهی به پیش رفتند. این علاوه بر دولت در زیربنای نظام اجتماعی-اقتصادی نیز اعمال شد. عمل‌گرایی

سیاسی نیز یعنی دولت تابع هیچ ایدئولوژی خاصی نبوده و فقط توسعه کشور که آن‌ها مشتق از ملی‌گرایی است را به پیش می‌برد. دیگر مؤلفه مهم گذار توسعه‌ای سنگاپور، نگاه خارجی حاکم بر دولت و تلاش حداکثری برای جذب سرمایه خارجی، شرکت‌های چندملیتی و ورود تکنولوژی به کشور برای دهه‌های متمادی است.

دولت سنگاپور توسط نخبگان توسعه‌گرای حزب اقدام خلق و نیز الیت تجاری-صنعتی اداره شده و البته دارای استقلال قابل توجه و نه انفصال از طبقات و گروه‌های اجتماعی گوناگون است. هیئت توسعه اقتصادی (EDB) سازمان مرکزی هدایت‌کننده توسعه در سنگاپور بوده و وظایفی مانند جذب سرمایه و تکنولوژی خارجی و نیز سایر وظایف توسعه‌ای و ثروت آفرین را به‌خوبی راهبری کرده است. دولت سنگاپور از بدو تأسیس دارای مشروعیت عملکردی بالا و مبادله سیاسی با شهروندان است؛ یعنی رشد اقتصادی و تولید ثروت و رفاه از طرف دولت با همراهی مردم با حزب اقدام خلق و چشم‌پوشی بر اقتدارگرایی دولت در حوزه‌های دیگر از طرف مردم دائماً در حال مبادله است. البته حزب اقدام خلق نیز دارای مشروعیت سیاسی بالایی بوده و در انتخابات گوناگون و حتی در مواقع بحرانی نیز اعتماد مردم را جلب و تبدیل به حزب مسلط کشور شده و این تأثیرات بالایی در تداوم و ثبات بوروکراتیک و توسعه‌ای سنگاپور داشته است و با توجه به این ویژگی‌هاست که دولت سنگاپور را دارای عیار بالایی از توسعه‌گرایی می‌دانیم.

References

- افخمی، علی‌اشرف (۱۴۰۱). معماری توسعه: تجربه لی کوان یو و سنگاپور، تهران: نشر نیستان.
- لفت‌ویچ، آدریان (۱۴۰۰). دولت‌های توسعه‌گرا؛ پیرامون اهمیت سیاست در توسعه، ترجمه جواد افشار کهن، تهران: نشر پبله.
- موتقی، سیداحمد (۱۴۰۱). اداره امور توسعه و سیاست‌گذاری توسعه‌ای، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- موتقی، سید احمد و بیات، داود (۱۳۹۹). علل و عوامل عقب‌ماندگی و توسعه ملی در ایران از نگاه عزت‌الله سبحانی، فصلنامه سیاست، ۵۰(۳)، ۹۹۱-۱۰۱۴.

- موتقی، سیداحمد (۱۳۹۶). اقتصاد سیاسی آسیای جنوب شرقی، تهران: انتشارات قومس.
- موتقی، سید احمد (۱۳۹۶). گذار توسعه‌ای در آسیای شرقی، فصلنامه سیاست، ۴۷(۴)، ۱۰۶۵-۱۰۸۳.
- هایامی، یوجیرو (۱۳۹۴). اقتصاد توسعه؛ فقر و ثروت ملل، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران، نی.
- Amsden, A. (1989). *Asia's Next Giant*. New York: Oxford University Press.
- Chan, H. C. (1971). *Singapore: The Politics of Survival, 1965-1967*. Oxford, U.K.: Oxford University Press.
- Chang, H.J. (2002). *Kicking away the ladder: development strategy in historical perspective*. Anthem Press.
- Chang, H-J. (2007a). *Bad Samaritans. The Myth of Free Trade and the Secret History of Capitalism*. London: Random House; New York: Bloomsbury USA.
- Chang, H-J. (2007b). Policy Space in Historical Perspective, with Special Reference to Trade and Industrial Policies, *Economic and Political Weekly*, 41(7):627-33.
- Chang, H-J. (2010) *23 Things They Don't Tell You About Capitalism*. London: Penguin Group.
- Chua, B.-H. (1997) *Communitarian Ideology and Democracy in Singapore*. London, U.K.: Routledge.
- Chua, B.H. (2010). The cultural logic of a capitalist single-party state, *Singapore. Postcolonial Studies*, 13 (4), 335-350.
- Countryeconomy (2025) Reports and data related to the Hong Kong economy. Available from: <https://countryeconomy.com/gdp/singapore>
- Dent, C. (2003). Transnational capital, the state and foreign economic policy: Singapore, South Korea and Taiwan. *Review of International Political Economy*, 10 (2), 246-277.
- Economic Development Board (2015a). Our History [online]. Singapore Economic Development Board – Investing Business in Singapore. Available from: <https://www.edb.gov.sg/content/edb/en/about-edb/companyinformation/our-history.html> [Accessed 27 Jun 2017].
- Economic Development Board (2015b). Global Offices [online]. Singapore Economic Development Board – Investing Business in Singapore. Available from: <https://www.edb.gov.sg/content/edb/en/contact-edb/meet-ourglobal-team.html> [Accessed 27 Jun 2017].
- Economic Development Board (2016) Vision, Mission, and Core Values – What We Do [online]. Singapore Economic Development Board – Investing Business in Singapore. Available from:

- <https://www.edb.gov.sg/content/edb/en/about-edb/ourstrategy/what-we-do.html> [Accessed 11 Jun 2017].
- Economic Review Committee (2003). *New Challenges, Fresh Goals: Towards a Dynamic Global City*. Singapore: Ministry of Trade and Industry. Economist Intelligence Unit, 2016. *Democracy Index 2016*. London, UK: Economist Intelligence Unit.
- EDBI (2017.) About EDBI [online]. Available from: <http://www.edbi.com/> [Accessed 27 Jun 2017].
- Evans, P. B. (1985). *Transnational Linkages and the Economic Role of the State: An Analysis of Developing and Industrialized Nations in the Post-World War II Period*. In: P.B.Evans, D.Rueschemeyer, and T.Skocpol, eds. *Bringing the State Back In*. Cambridge: Cambridge University Press, 192–226.
- Evans, P. B. (1989) Predatory, developmental, and other apparatuses: A comparative political economy perspective on the Third World state. *Sociological Forum*, 4 (4), 561–587.
- Evans, P.B. (2014). *The Capability-Enhancing Developmental State: Concepts and National Trajectories*. In: E.M.Kim and P.H.Kim, eds. *The South Korean Development Experience*. London, U.K.: Palgrave Macmillan UK, 83–110.
- Hamilton-Hart, N. (2000). The Singapore state revisited. *The Pacific Review*, 13 (2), 195–216.
- Hamilton-Hart, N. (2002.) *Asian States, Asian Bankers: Central Banking in Southeast Asia*. New York: Cornell University Press.
- Hamilton-Hart, N. (2002). *Asian States, Asian Bankers: Central Banking in Southeast Asia*. New York: Cornell University Press.
- Hsu, J. (2017). *State transformation and the evolution of economic nationalism in the East Asian developmental state: the Taiwanese semiconductor industry as a case study*. *Transactions of the Institute of British Geographers*, 1–13.
- Huff, W.G. (1999). Turning the Corner in Singapore's Developmental State? *Asian Survey*, 39 (2), 214–242
- IMD (2017). *World Competitiveness Yearbook 2017*. Lausanne, Switzerland: IMD.
- Infocomm Media Development Authority, 2016. Sectors [online]. Infocomm Media Development Authority. Available from:

- <http://www.imda.gov.sg/industry-development/sectors> [Accessed 28 Jun 2017].
- International Enterprise Singapore (2017). Singapore FTAs [online]. International Enterprise Singapore. Available from: <https://www.iesingapore.gov.sg/Trade-From-Singapore/International-Agreements/free-tradeagreements/Singapore-FTA> [Accessed 13 Jul 2017]
- Johnson, C.A. (1982). *MITI and the Japanese Miracle: The Growth of Industrial Policy, 1925–1975*. 1st ed. Stanford, California: Stanford University Press.
- Kaplan, R.D. (2015). Asia's Rise Is Rooted in Confucian Values. *Wall Street Journal*, 6 Feb.
- Koh, A. (2007). Living with Globalization Tactically: The Metapragmatics of Globalization in Singapore. *Sojourn: Journal of Social Issues in Southeast Asia*, 22 (2), 179–201.
- Koh, C.Y., Wee, K., Goh, C., and Yeoh, B.S.A. (2017). Cultural mediation through vernacularization: framing rights claims through the day-off campaign for migrant domestic workers in Singapore. *International Migration*, 55 (3), 89–104.
- Koh, J. (2016). Singapore and China's third G2G project gets underway in Chongqing [online]. Channel NewsAsia. Available from: <http://www.channelnewsasia.com/news/business/singapore-andchina-s-third-g2g-project-gets-underway-in-chongqi-8213744> [Accessed 10 Jun 2017].
- Koh, T.A. (1998). Civil or civic society? The S'pore ideal(I). *The Business Times*, 30 May,
- Lau, S. and Liu, Z. (1984). *Society and Politics in Hong Kong*. Chinese University Press.
- Lee, T. (2002). The Politics of Civil Society in Singapore. *Asian Studies Review*, 26 (1), 97–117.
- Leftwich, A. (1995). Bringing politics back in: Towards a model of the developmental state. *Journal of Development Studies*, 31 (3), 400–427.
- Low, L. (2001a). The Singapore developmental state in the new economy and polity. *The Pacific Review*, 14 (3), 411–441.
- Low, L. (2001b). *The Political Economy of a City-State: Government Made Singapore*. Oxford: Oxford University Press.

- Low, L. (2003a). *Sustaining the competitiveness of Singapore Inc in the knowledge-based global economy*. In: R.S.Rajan, ed. *Sustaining Competitiveness in the New Global Economy: The Experience of Singapore*. Cheltenham, UK: Edward Elgar Publishing, 135.
- Low, L. (2003b). Singapore Inc: A success story. *South African Journal of International Affairs*, 10 (1), 49–63.
- Low, L. (2006). *The Political Economy of a City-State Revised*. Singapore: Marshall Cavendish.
- Low, L. (2001a). The Singapore developmental state in the new economy and polity. *The Pacific Review*, 14 (3), 411–441.
- Low, L. (2001b.) *The Political Economy of a City-State: Government-Made Singapore*. Oxford: Oxford University Press.
- Ministry of National Development (2016). Introduction [online]. Ministry of National Development Website. Available from: <http://app.mnd.gov.sg/about-us/introduction> [Accessed 17 Jun 2017].
- Ministry of Trade and Industry (2011). Do Free Trade Agreements Matter? Evaluating the Impact of FTAs on Singapore's Domestic Exports of Goods. Singapore: Ministry of Trade and Industry, Feature Article.
- Monetary Authority of Singapore (2011). *Sustaining Stability, Serving Singapore*. Singapore: Monetary Authority of Singapore.
- National Library Board (2009). Albert Winsemius [online]. National Library Board Website. Available from: http://eresources.nlb.gov.sg/infopedia/articles/SIP_1457_2009-02-11.html [Accessed 10 Jun 2017].
- National Library Board Singapore. (2017) British withdrawal from Singapore [online]. National Library Board Website. Available from: http://eresources.nlb.gov.sg/infopedia/articles/SIP_1001_2009-02-10.html [Accessed 9 Jun 2017].
- Ngiam, T.D. (2010). *Dynamics of the Singapore Success Story: Insights by Ngiam Tong Dow* 1st ed. Singapore: Cengage Learning Asia.
- Polanyi, Karl (2001), *The Great Transformation*, Boston: Beacon Press.
- Perry, M., Kong, L., and Yeoh, B. (1997) *Singapore: A developmental city state*. Chichester: John Wiley and Sons.
- Pereira, G.V., Cunha, M.A., Lampoltshammer, T.J., Parycek, P., and Testa, M.G. (2017) Increasing collaboration and participation in smart city

- governance: a cross-case analysis of smart city initiatives. *Information Technology for Development*, 23 (3), 526–553.
- Pereira, A. (2005). Singapore's Regionalization Strategy. *Journal of the Asia Pacific Economy*, 10 (3), 380–396.
- Rajaratnam, S. (1972). Singapore: Global City. Ramesh, M., 1995. Economic Globalization and Policy Choices. *Governance: An International Journal of Policy and Administration*, 8 (2), 243–260.
- Ravishankar, S. (2016). From Singapore to Amaravati: the battle to build India's new state capital. *The Guardian*, 26 Jan.
- Reporters Without Borders. (2017). 2017 World Press Freedom Index. Paris, France: Reporters Without Borders.
- Schein, E.H. (1996). *Strategic Pragmatism: The Culture of Singapore's Economic Development Board*. Massachusetts: The MIT Press.
- Singapore Tourism Board, 2017. About Singapore [online]. Your Singapore. Available from: <http://www.visitsingapore.com/travelguide-tips/about-singapore>
- Smart Nation Programme Office (2017). Smart Nation Initiatives [online]. Smart Nation Singapore. Available from: <http://www.smartnation.sg/initiatives/> [Accessed 15 Feb 2017].
- Statista (2024). Data related to the Iranian economy. Available from: <https://www.statista.com/statistics/294233/iran-gross-domestic-product-gdp/>
- Swan Gin, B. (2017). Singapore's long game in innovation. *The Straits Times*, 23 Aug.
- The Economist (2015). How Singapore gained its independence [online]. The Economist. Available from: <http://www.economist.com/blogs/economist-explains/2015/03/economist-explains-22> [Accessed 8 Jun 2017].
- Wade, R. (1990). *Governing the Market: Economic Theory and the Role of Government in East Asian Industrialization*. New Jersey: Princeton University Press.
- Wai-chung Yeung, H (1998) The political economy of transnational corporations: a study of the regionalization of Singaporean firms. *Political Geography*, 17 (4), 389–416.
- Woo, J.J. (2014). Singapore's policy style: statutory boards as policymaking units. *Journal of Asian Public Policy*, 8 (2), 120–133.

- Woo, J.J. (2015a). Beyond the Neoliberal orthodoxy: Alternative financial policy regimes in Asia's financial centres. *Critical Policy Studies*, 9 (3), 297–316.
- Woo, J.J. (2015b). Policy Relations and Policy Subsystems: Financial policy in Hong Kong and Singapore. *International Journal of Public Administration*, 38 (8), 553–561.
- Woo, J.J. (2016a) *Business and Politics in Asia's Key Financial Centres – Hong Kong, Singapore and Shanghai* 1st ed. Singapore: Springer.
- Woo, J.J. (2016b) *Singapore as an International Financial Centre: History, Politics and Policy*. London: Palgrave Macmillan.
- Woo, J.J., Ramesh, M., and Howlett, M. (2015). Legitimation Capacity: System-Level Resources and Political Skills in Public Policy. *Policy & Society*, 34 (3–4), 271–283.
- Woo, J.J., Ramesh, M., Howlett, M., and Coban, M. K. (2016). Dynamics of global financial governance: Constraints, opportunities, and capacities in Asia. *Policy and Society*, Forthcoming.
- Woo-Cumings, M. (1999). *The Developmental State*. Ithaca, N.Y: Cornell University Press.
- Woo, J.J. (2015a). Policy Relations and Policy Subsystems: Financial policy in Hong Kong and Singapore. *International Journal of Public Administration*, 38 (8), 553–561.
- Woo, J.J. (2015b) Beyond the Neoliberal orthodoxy: Alternative financial policy regimes in Asia's financial centres. *Critical Policy Studies*, 9 (3), 297–316.
- Woo, J.J. (2016). *Business and Politics in Asia's Key Financial Centres - Hong Kong, Singapore and Shanghai* 1st ed. Singapore: Springer.
- Woo, J.J., and Howlett, M. (2015). Explaining dynamics without change: a critical subsector approach to financial policy making. *Journal of Asian Public Policy*, 8 (3), 312–328.
- Woo, J.J., Ramesh, M., and Howlett, M. (2015). Legitimation Capacity: System-Level Resources and Political Skills in Public Policy. *Policy & Society*, 34 (3–4), 271–283.
- Woo, J.J., Ramesh, M., Howlett, M., and Coban, M.K. (2016). Dynamics of global financial governance: Constraints, opportunities, and capacities in Asia. *Policy and Society*, 35 (3), 269–282.
- World Bank (2016a). GDP per capita (current US\$) [online]. World Bank Database. Available from <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.PCAP.CD?locations=SG&view=chart> [Accessed 23 Sep 2016].

- World Bank (2016b). Exports of goods and services (% of GDP). Washington, D.C.: World Bank.
- World Bank (2016c). Foreign direct investment, net inflows (% of GDP) | Data [online]. World Bank Database. Available from: <http://data.worldbank.org/indicator/BX.KLT.DINV.WD.GD.ZS?Locations=SG&view=chart> [Accessed 21 Sep 2016].
- World Bank Group (2017). *Doing Business 2017: Equal Opportunity for All*. Washington, D.C.: World Bank.
- World Bank (2024). GDP per capita (current US\$).
- Yeandle, M. (2016). *Global Financial Centres Index 20*. London, UK: Z/Yen Group and China Development Institute.
- Zhu, Y. (2011). 'Performance Legitimacy' and China's Political Adaptation Strategy. *Journal of Chinese Political Science*, 16 (2), 123–140.